



قاسم محسنی مری
 کارشناس ارشد دانشگاه تهران

مقدمه

نخست به اختصار درباره رسم الخط و وقف بر آن سخن خواهیم گفت، و به دنبال آن سیر نگارش الوقف علی المرسوم الخط را بیان می کنیم. رسم در لغت به معنای اثر و مرسوم الخط یعنی آن چه اثرش خط باشد و مراد از خط همان کتابت قرآن کریم است، که در سال سی هجری در زمان عثمان بن عفان، توسط گروهی مرکب از بزرگان حفاظ و قراء از اصحاب رسول اکرم ﷺ نوشته و آن را مصحف امام نامیدند و برآن اجماع کردند و نشر آن در بلاد اسلامی مجاز اعلام شد. عثمان برای نگارش قرآن در یک مصحف، چهار نفر از بزرگان صحابه که جزء حافظین قرآن بودند انتخاب کرد. این چهار نفر عبارت بودند از:

۱. زیدبن ثابت (م ۴۵ هـ.)، از مهم ترین اعضا در کتابت قرآن کریم و نیز از انصار و کتاب وحی پیامبر ﷺ محسوب می شود. او از اول کسانی است که در زمان ابوبکر به جمع آوری قرآن اهتمام ورزید.

۲. عبدالرحمن بن الحارث بن هشام (م ۴۳ هـ.) .
۳. سعدبن العاص (م ۵۸ هـ.) .
۴. عبدالله بن زبیر (م ۷۳ هـ.) .



برخی از عالمان ، جمع دیگری را نیز بدانها افزودند و تعداد آنها را به دوازده نفر رسانده‌اند .^۱ عثمان بعد از نگارش قرآن در یک مصحف و از بین بردن اختلافات قراءات آن رابه بلاد اسلامی ارسال و هر رسم الخطی که مخالف آن مصحف بود خلاف شرع و حرام اعلام کرد .

بدون شک ابداع و وضع خط برای رساندن مفهوم و تعبیر از معنایی است که آن معنا به وسیله همان لفظ ، اراده می شود . به عبارت دیگر ، کتابت و نوشتن ، نماینده لفظی است که تعبیر کننده از معنی و مفهوم در نظر دارد . بنابراین لازم است که کتابت به طور کامل با لفظی که بدان تکلم می شود ، مطابقت داشته تا خط بدون هیچ نقصان و زیادتی ، مقیاسی برای لفظ باشد .

هریک از زبان ها برای نگارش و کتابت دارای اصول و ضوابطی هستند که از آن به رسم الخط تعبیر می شود . قرآن کریم که به رسم الخط عثمانی مکتوب شده است ، مطابق با اصول مرسوم عرب است ، فقط در بخش هایی از آن (رسم الخط) خارج از دستور العمل نگارش عرب می باشد که تبعیت از آن الزامی است ولی باید علت آن مورد بررسی قرار داد . مراد از وقف علی المرسوم الخط ، کیفیت و طریقه وقف بر کلماتی است ، که در مصحف عثمانی خلاف قواعد متداول نوشته شده است .

سیر نگارش ها در این زمینه

با بررسی کتب قراءات و رسم الخط روشن می شود ، که علما و دانشمندان علم قرائت از دیر باز به این مسأله پرداخته و آن را مورد بررسی و تفحص قرار داده اند . هر چند در قرن اول تا اوائل قرن پنجم هجری کتابی مستقل در این زمینه در دسترس نمی باشد ، اما علما قراءات با عناوینی دیگر و یا ذیل بحث های متناسب با این مسأله به آن پرداخته اند ، از جمله :

- ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب عزّوجلّ ، تألیف : ابوبکر محمد بن القاسم بن بشار الانباری (م ۳۲۸ هـ .) . او بابتی رابه این امر اختصاص نداده ، اما با عناوینی که به نحوی با این موضوع مرتبط است ، به این بحث پرداخته است . مانند : الباب ذکر ما یوقف علیه بالتاء والها ، الباب ذکر الاحرف التي فی القرآن وقف علیها بالتاء و

ابن انباری در این کتاب ارزشمند ، بحث های مفصلی ، همراه با ادله علما قراء و نحویان آورده و در نهایت نظرات خویش را نیز بیان داشته است .

- ادب الکاتب، تألیف ابی محمد عبداللہ بن مسلم بن قتیبه الدینوری (م ۲۷۶ هـ).
او در بخش هایی از کتاب خود بحث های مؤجز و گذرایی درباره بعضی از موضوعات
این بحث دارد.

- السبعة فی القراءات، تألیف ابن مجاهد (م ۳۲۴ هـ). وی در این کتاب در ذیل
بعضی آیات به مسأله اختلاف قراءات در آیات و سور پرداخته است.

- المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات والایضاح عنها، از ابی الفتح عثمان بن
جنی (م ۳۹۲ هـ).

- التذکره القراءات الثمان، از ابی الحسن طاهر بن عبدالمنعم بن غلبون (م ۳۹۹ هـ).

- الحجة فی القراءات السبع، تألیف ابی عبداللہ الحسین بن احمد خالویه (م ۳۷۰ هـ).
این سه کتاب مانند کتاب السبعة عمل کرده اند.

چنان چه که گذشت و با توجه به قرائن موجود تا پایان قرن چهارم هجری در این
زمینه، بابی به عنوان الوقف علی المرسوم الخط باز نشده است.

ابوعمرودانی (م ۴۴۴ هـ) از اولین کسانی است که در کتاب التیسر فی القراءات
السبع، بابی مختصر و مؤجز به این امر اختصاص داده است. ۲. تألیف دانی، زمینه ای
فراهم آورد تا عالمان قرآنی با عنوانی متفرد، در دوره های بعدی به این فن بپردازند.

- الاقناع فی القراءات السبع، تألیف ابی جعفر علی بن احمد بن خلف الانصاری (م
۵۴۰ هـ). بابی با عنوان الوقف علی الخط نگاشت.

ابن جزری (م ۸۳۳ هـ) در کتاب النشر فی القراءات العشر، در این باره به تفصیل
سخن گفته است و ضمن نقل آرای قراء به نقد و بررسی آنها پرداخته است. به دلیل
گسترده گی و ضرورت ریشه یابی اختلاف در چگونگی وقف، در این مقال، تلاش شده،
درباره الوقف علی المرسوم الخط به اسلوب و سبکی خاص سخن بگوییم، و به گونه
ای که انسجام مطالب محفوظ گردد، طبقه بندی و تنظیم شود. و در ضمن تمامی آیات
اتفاقی و اختلافی قرآء و نقطه نظرات آنان نیز بیان شده است.

و قف بر مرسوم الخط به دو قسم تقسیم می شود:

۱. وقفی که مطابق با رسم الخط است، و همه قرآء بر این امر متفق هستند.
۲. وقفی که مخالف با رسم الخط است. و عمده قرآء در این زمینه با یکدیگر اختلاف
دارند. این قسم نیز به انواع دیگری تقسیم می شود:

الف) ابدال ؛ ب) اثبات ؛ ج) حذف ؛ د) وصل ؛ ه) قطع ؛



الف: ابدال

ابدال، تبدیل کردن حرفی است به حرف دیگر، و منظور از ابدال در این مقوله تبدیل تاء تأنیث در هنگام وقف به هاء می باشد.

تاء تأنیث که در حال وصل به تاء قرائت می شود، اغلب به شکل مدور(ة) می باشد ولی در بعضی مواقع در قرآن کریم با تاء کشیده آمده است. قراء در این بخش با یکدیگر متفق الرأی نیستند. بیشتر قراء بر این باوراند که وقف براساس رسم المصحف می باشد، یعنی جاهایی که در مصحف با تاء کشیده آمده است، وقف به تاء و مواضعی که با تاء مدور(ة) آمده وقف به هاء می گردد.

برخی دیگر معتقدند که افراد مخیرند هر موضعی که تاء تأنیث آمده، وقف به (ها) و یا به (تاء) نمایند و احتجاج می کنند: جاهایی که به ها وقف کردند، به خاطر این که سکت را اراده نمودند، و مواضعی که به تاء وقف کردند، وصل را اراده نمودند. برخی در ساختار هاء تأنیث می گویند: اصل در هاء تأنیث آن است که به صورت تاء کشیده باشد و تاء تأنیث مدور بر آن داخل می گردد. چنان چه فراء می گوید:

التاء هي الاصل، والهاء داخلة عليها، و ذلك انك تقول قامت وقعدت، فتجد هذا هو

الأصل الذي يبنى عليه ما فيه الهاء. قال: والدليل على أن التاء عند العرب هي الاصل

أن طئيئاً تقول في الوقف هذه امرأت و هذه جاريت، فيصلون بالتاء ويقفون بالتاء.^۳

ابن انباری مواضعی که در قرآن هاء با تاء کشیده آمده بر می شمرد و در آخر می فرماید:

مواضعی که در قرآن با هاء وقف شده، به دلیل تبعیت از مصحفی است که نگارش آن

در مصحف به هاء آمده است، زیرا خط را براساس وقف بنا نمودند و مواضعی که به

تاء کشیده آمده حجت در آن قرائت به تاء است، زیرا خط را براساس وصل بنا نمودند.^۴

تمامی هاء تأنیث ها که در مصحف به صورت تاء کشیده آمده، به خاطر رعایت اصل

و یا به خاطر وصل می باشد.^۵

در هر حال، هر تا تأنیث که در قرآن با تاء کشیده مرسوم است از دو حال خارج نیست،

قسمتی که به قرائت آن، به صورت افراد متفق هستند، و قسمتی که در آن اختلاف دارند.

چهارده کلمه است که بر افراد آن همگی متفق هستند. از این چهارده کلمه، هفت

کلمه، در قرآن تکرار شده و هفت کلمه فقط یکبار بکار رفته است که عبارتند از:

۱. کلمه رحمت هفت بار در قرآن با تاء کشیده آمده است:

(بقره، ۲/۲۱۸)؛ (اعراف، ۷/۵۶)؛ (هود، ۱۱/۷۳)؛ (مریم، ۱۹/۲)؛

(روم، ۳۰/۵۰) و (زخرف، ۴۳/۳۲، دوبار)

۲. واژه سنت پنج بار در قرآن با تاء کشیده آمده است:

(انفال، ۸/۳۸)؛ (فاطر، ۳۵/۴۳، سه بار) و (مؤمن، ۲۳/۵۸).

۳. واژه نعمت که یازده بار در قرآن با تاء کشیده آمده است:

(بقره، ۲/۲۳۱)؛ (آل عمران، ۳/۱۰۳)؛ (مائده، ۵/۱۱)؛ (ابراهیم، ۱۴/۲۸ و ۳۴)؛ (نحل، ۱۶/۷۲ و ۸۳)؛ (نمل، ۲۷/۱۱۴)؛ (لقمان، ۳۱/۳۱)؛ (فاطر، ۳۵/۳) و (طور، ۲۹/۵۲).

۴. واژه امرأت هفت بار در قرآن با تاء کشیده آمده است:

(آل عمران، ۳/۳۵)؛ (یوسف، ۱۲/۳۰ و ۵۱)؛ (قصص، ۲۸/۹) و (تحریم، ۶۶/۱۰، دوبار، ۱۱).

۵. واژه کلمت سه بار در قرآن با تاء کشیده آمده است:

(اعراف، ۷/۱۳۷)؛ (یونس، ۱۰/۳۳) و (مؤمن، ۲۳/۶).

۶. کلمه معصیت دو بار در قرآن با تاء کشیده آمده است:

(مجادله، ۵۸/۸ و ۹).

۷. واژه لعنت، دو بار با تاء کشیده آمده است:

(آل عمران، ۳/۶۱) و (نور، ۱۱/۷).

اما کلماتی که به صورت تاء کشیده آمده و غیر مکرر است عبارتند از:

۸. بقیت (هود، ۱۱/۸۶)

۹. قرئت (قصص، ۲۸/۹)

۱۰. فطرت (روم، ۳۰/۳۰)

۱۱. شجرت (دخان، ۴۴/۴۳)

۱۲. جنت (واقعه، ۵۶/۸۹)

۱۳. البننت (تحریم، ۶۶/۱۲)

۱۴. بیننت (فاطر، ۳۵/۴۰)

در تمامی آیات فوق از بین قاریان، فقط ابو عمرو کسائی و ابن ذکوان^۶ مخالف با رسم الخط به هاء وقف نمودند.

صاحب النشر، یعقوب را نیز جزء افرادی می داند که تاء کشیده را در هنگام وقف به هاء بدل می کرده است.^۷ اما مذهب ابن کثیر را براساس قیاس می توان گفت که او در



هنگام وقف، به هاء بدل می کرد زیرا، ثمرات من اکمامها (فصلت، ۴۱/۴۷) را به هاء وقف کرد. ۸. بقیه قراء از جمله عاصم، حمزه، نافع و ابن عامر مطابق با رسم الخط، به تاء وقف کردند. ۹.

با عنایت به مطالب بالا، ملاحظه می شود که در این بخش قراء با یکدیگر متفق الرأی نمی باشند و مطابق با رسم الخط وقف نمودند یعنی وجود کتبی قرآن با وجود لفظی آن مراعات نگشته است.

نوع دیگری که علما در مفرد و جمع بودن با یکدیگر اختلاف دارند هشت مورد می باشد که عبارتند از:

۱. «جمالت»: کأته جمالت صفر. (مرسلات، ۳۳/۷۷)

در این آیه ابن کثیر و ابن عامر و ابوبکر از عاصم با الف و به صورت جمع قرائت کردند ولی حمزه و کسائی و حفص از عاصم به صورت مفرد و بدون الف قرائت کردند. ۱۰.

۲. «الغرفات»: وهم فی الغرفات ءامنون. (سبا، ۳۴/۳۷)

حمزه، به اسکان راء و بدون الف و نیز به صورت مفرد قرائت نموده. وهم فی الغرفت، ولی دیگران به ضم راء و الف و به صورت جمع فی الغرفات قرائت کردند. ۱۱.

۳. «بیئت»: فهم علی بیئت منه. (فاطر، ۳۵/۴۰)

ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه و حفص از عاصم به صورت مفرد قرائت کردند، ولی نافع و ابن عامر و کسائی و ابوبکر به جمع، علی بیئات قرائت کردند. ۱۲.

۴. «ثمرات»: وما تخرج من ثمرات من اکمامها. (فصلت، ۴۱/۴۷)

نافع و ابن عامر و حفص و مفضل با الف و جمع، ثمرات قرائت کردند و بقیه قراء به افراد من ثمرت و بدون الف قرائت نمودند. ۱۳.

۵. «غیابت»: وألقوه فی غیابت الجب. (یوسف، ۱۲/۱۰)

نافع فقط به صورت جمع غیابات قرائت کرده است ولی بقیه قراء به صورت مفرد قرائت نموده اند.

۶. «آیات»: آیات للسائلین. (یوسف، ۱۲/۷)

فقط ابن کثیر به صورت مفرد قرائت کرده است آیه للسائلین ولی دیگران به صورت جمع قرائت کرده اند. ۱۴.

۷. «کلمت»: كذلك حقت کلمت ربک. (غافر، ۴۰/۶)

نافع و ابن عامر به صورت جمع ولی دیگران به صورت مفرد قرائت نمودند. ۱۵.



همان گونه که بیان شد موارد فوق در مفرد و جمع بودن آنها بین قرآء اختلاف نظر وجود دارد. اما در چگونگی و کیفیت وقف باید افزود، کسانی که این موارد را به صورت مفرد قرائت نموده اند، هم به هاء و هم به تاء براساس مذهب و شیوه خویش وقف کرده اند ولی کسانی که به جمع قرائت کرده اند، در تمامی موارد به تاء وقف نموده اند. ۱۶

ب : اثبات

اثبات بر دو قسم است :

الف - اثبات آن چه که از جهت رسم محذوف است .

ب . اثبات آن چه که از جهت لفظ محذوف است .

قسم اول نیز بر دو نوع دیگر تقسیم می شود :

۱ . الحاق هاء سکت . ۱۷

۲ . حذف حرف عله به خاطر التقای ساکنین .

الحاق هاء سکت

ماء استفهامیه مجرور به حرف جر در پنج کلمه، «عم، ضم، بم، مم، لم» در موقع هاء، سکت بدان ملحق می گردد. صاحب «الافتاح فی القراءات السبع» در این باره می نویسد : آیاتی نظیر : فلم تقتلون (بقره، ۹۱/۲) لم تقولون (صف، ۲/۶۱)، فیم أنت (نازعات، ۷۹/۲۳)، مم خلق (طارق، ۵/۸۴)، فیم تیشرون (حجر، ۵۴/۵)، بم یرجع (النمل، ۳۵/۲۷)، عم یتساءلون (نبأ، ۱/۷۸) در هنگام وقف، هاء سکت عوض از محذوف الف در ماء استفهامیه می آید. این شیوه برخی از قرآء مانند یعقوب و بزی است. ۱۸

حذف حرف عله به خاطر التقای ساکنین

الف) حرف یاء به دلیل التقای ساکنین حذف و در رسم الخط قرآن نیز نیامده است، ولی بعضی از قرآء در قرائت شان، آن را قرائت نموده اند. این یاء از دیدگاه قرآء به یاء زائد معروف شده است. ۱۹

قرآء، به اثبات و حذف یاء در هنگام قرائت با یکدیگر اختلاف کرده اند. قاعده کلی نزد ابن کثیر، به اثبات حرف یاء در هنگام وقف و وصل می باشد. ۲۰
از حمزه، کسایی، نافع و ابو عمرو به اثبات حرف یاء در هنگام وصل و حذف یاء در حال وقف نقل شده است. ۲۱



عاصم به روایت حفص و شعبه در تمام موارد به حذف یاء زائد قرائت کرده است و تنها در آیه فَمَا آتَانِ اللَّهُ (نمل، ۲۷/۳۶) در روایت شعبه به حذف یاء در وصل و وقف نقل شده، ولی به روایت حفص، به اثبات یاء مفتوح در حالت وصلی و به اثبات یاء ساکن و یا حذف آن در حالت وقفی روایت شده است. ۲۲

بهادی العمی (نمل، ۲۷/۸۱) در رسم المصحف به ثبوت یاء آمده است، اما در، بهاد العمی، (روم، ۳۰/۵۳) به حذف یاء است.

از کسائی در اثبات و یا حذف یاء در هنگام قرائت، به طور مختلف نقل شده است. خلف از کسائی نقل می کند او در هر دو مورد یاء، به ثبوت یاء وقف می نمود. اما از ابو عمرو نقل شده است که کسائی در موارد فوق به غیر یاء وقف کرده است. از قتیبه نیز روایت شده که او، موضعی را که با یاء آمده، وقف به یاء و جاهایی که بدون یاء آمده، به حذف یاء قرائت کرده است. ۲۳

از یعقوب نقل شده که در تمامی موارد به ثبوت یاء زائد قرائت کرده است. ۲۴

مواردی که در قرآن حرف یاء محذوف است:

سوره بقره، ۲/۴۰، ۴۱، ۱۵۲، ۱۸۶ و ۱۹۷. آل عمران، ۳/۲۰، ۵۰ و ۱۷۵. نساء، ۴/۱۴. مائده، ۵/۳ و ۴۴. انعام، ۶/۵۷ و ۸۰. اعراف، ۷/۱۹۵. یونس، ۱۰/۷۱ و ۱۰۳. هود، ۱۱/۴۶، ۵۵، ۵۶، ۷۸ و ۱۰۵. یوسف، ۱۲/۴۵، ۶۰، ۶۱، ۶۶، ۹۴ و ۹۵. رعد، ۱۳/۹، ۳۰، ۳۲ و ۳۶. ابراهیم، ۱۴/۱۴، ۲۲ و ۴۰. حجر، ۱۵/۶۸ و ۶۹. نحل، ۱۶/۲ و ۵۱. اسراء، ۱۷/۶۲ و ۹۷. کهف، ۱۸/۱۷، ۲۴، ۳۹، ۴۰، ۶۴ و ۶۶. طه، ۲۰/۹۳. انبیاء، ۲۱/۲۵، ۳۷ و ۹۲. حج، ۲۲/۲۵، ۴۴ و ۵۴. مؤمنون، ۲۳/۲۶، ۳۹، ۴۰، ۵۲، ۹۸ و ۹۹. شعراء، ۲۶/۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۰۸ و ۱۱۷. نمل، ۲۷/۱۸، ۳۲ و ۳۶. قصص، ۲۸/۳۳ و ۳۴. عنکبوت، ۲۹/۵۶. روم، ۳۰/۵۳. سبأ، ۳۴/۱۳ و ۴۵. فاطر، ۳۵/۲۶ و ۲۷. یس، ۳۶/۲۳ و ۲۵. صافات، ۳۷/۵۶، ۹۹ و ۱۶۳. ص، ۳۸/۸ و ۱۴. زمر، ۳۹/۱۶ و ۱۷. غافر، ۴۰/۵، ۱۵، ۳۲، ۳۸. شوری، ۴۲/۳۲. زخرف، ۴۳/۲۷، ۶۱ و ۶۴. دخان، ۴۴/۲۰ و ۲۱. ق، ۵۰/۱۴، ۴۱ و ۴۵. ذاریات، ۵۱/۵۶، ۵۷ و ۵۹. قمر، ۵۴/۵، ۶، ۸ و ۱۶. الرحمن، ۵۵/۲۴. ملک، ۶۷/۱۷ و ۱۸. نوح، ۷۱/۳. مرسلات، ۷۷/۳۹. تکویر، ۸۱/۱۶. فجر، ۸۹/۴، ۹، ۱۵، ۱۶. کافرون، ۱۰۹/۶.



مواردی که یاد شد ، در رسم الخط عثمانی به حذف حرف یاء می باشد؛ اما بعضی از قراء از جمله، ابن کثیر، حمزه، کسائی، ابو عمرو و یعقوب به ثبوت یاء، معارض با رسم المصحف در هنگام وقف قرائت کرده اند .

واوهای محذوف در رسم

در چهارجا از قرآن کریم ، در رسم المصحف حرف واو به دلیل ساکن بودن حذف شده است که عبارتند از: **یدع الانسان بالشر** (اسراء، ۱۷/۱۱)، **یمح الله الباطل** (شوری، ۲۴/۴۲)، **یوم یدع الداع** (قمر، ۵۴/۶) و **سندع الزبانية** (علق، ۹۶/۱۸) .
وقف در تمام موارد یاد شده، مطابق با رسم الخط می باشد و حرف واو در تلفظ حذف شده است .

حذف ألف ها

با نگاهی به برخی از آیات ملاحظه می شود که حرف «الف» محذوف است، یعنی در رسم الخط عثمانی حرف «الف» ساقط شده است . به عنوان مثال:
هر آنچه در رسم المصحف در مورد کلمه «یا ایها» آمده مختوم به الف می باشد مگر در سه جا که عبارتند از:

وتوبوا إلى الله جميعاً أیه المومنون . (نور ۲۴ / ۳۷)
سنفرغ لكم أیه الثقلان . (الرحمن، ۵۵ / ۳۱)
وقالوا یا أیه السّاحر . (زخرف، ۴۳ / ۴۹)

قراء در چگونگی و کیفیت وقف درباره کلمه «أیه» با یکدیگر اختلاف کرده اند . ابو عمرو، کسائی و یعقوب در این آیات، مخالف با رسم الخط به الف وقف نموده اند، ولی بقیه افراد، به دلیل متابعت با رسم المصحف به حذف الف وقف کرده اند .

اثبات آن چه که از جهت لفظ محذوف است

- تلقى قراء در این زمینه دو گونه است :
- ۱ . مواردی که در آن دارای عقاید مختلفی هستند .
 - ۲ . مواردی که متفق می باشند . ۲۵



۱. موارد مورد اختلاف

در قرآن کریم هاءِ سکت به آخر بعضی از کلمات افزوده شده و نشانه آن در رسم الخط، سکونی است که روی آن گذارده اند. این موارد عبارتند از

- فأنظر إلى طعامك و شرابك لم يتسنه . (بقره، ۲/ ۲۵۹)

- فبهدهم اقتده . (انعام، ۶/ ۹۰)

- یا لیتنی لم أوت کتابیه . ولم أدر ما حسابیه . (حاقه، ۲۵۶۹/ ۲۶)

- وما ادراک ماهیه . (قارعه، ۱۰/ ۱۰۱)

قراء در موارد فوق با یکدیگر اختلاف دارند. ابوجعفر، شیبه، نافع، عاصم، ابن کثیر، «هاء» را در «یتسنه، اقتده، کتابیه، حسابیه و ماهیه» هنگام وصل و وقف قرائت کرده اند.

ابوعمر و در تمامی موارد فوق موافق می باشد، مگر در سوره انعام آیه ۹۰ که معتقد است «هاء» در هنگام وصل حذف می شود، ولی در وقف ثابت می ماند.

کسائی نیز در تمامی موارد موافق می باشد ولی در سوره بقره آیه ۲۵۹ و سوره انعام آیه ۹۰ در وصل به حذف «هاء»، ولی در وقف قرائت می کند.

اعمش و حمزه «هاء» را در وقف ثابت، ولی در هنگام وصل حذف می کنند. ۲۶
و نیز کلماتی نظیر «لکننا، قواریرا، السببلا، الرسولا، الظنوننا»، که در رسم الخط «الف» در آنها ثابت می باشد، قراء در آنها تلفظ با یکدیگر اختلاف کرده اند.

کلمه لکننا، در رسم الخط با الف نوشته می شود و چون اصل آن «لکن انا» بوده، ابن کثیر، ابوعمر و، عاصم، حمزه و کسائی به اسقاط «الف» در وصل و اثبات آن در وقف قرائت کرده اند.

نافع در روایت مسیبی به ثبوت «الف» در وصل و وقف قرائت کرده است، ولی ابن جماز و اسماعیل بن جعفر و ورش و قالون از نافع بدون «الف» در وصل و با «الف» در وقف قرائت نموده اند.

ابن عامر نیز در وصل و وقف به ثبوت «الف» قرائت نموده است. البته از او در هنگام وصل اختلافی نقل شده است. ۲۷

در آیات کانت قواریرا، قواریراً من فضة (انسان، ۷۶/ ۱۵ و ۱۶)، عاصم در روایت ابی بکر و نافع و کسائی «قواریراً» قرائت کرده اند.

ولی حفص از عاصم مثل «سلسببلا» بدون تنوین، در وصل و در وقف به «الف» قرائت کرده است.

حمزه و ابن عامر بدون تنوین ، و حمزه بدون «الف» در این موضع وقف نموده است .

ابو عمرو نیز غیر منون به «الف» وقف نموده است . ۲۸

در سورة زخرف ، کلماتی همانند «الظنونا ، الرسولا ، والسبیلا» ، ابن کثیر و کسائی و حفص از عاصم در هنگام وقف به ثبوت «الف» ، وقف نموده اند ولی در هنگام وصل به حذف «الف» قرائت کرده اند .

اما در روایت ابی بکر از عاصم و نافع و ابن عامر هم در وصل و وقف به «الف» قرائت کرده اند . ابو عمرو و نیز به غیر «الف» در وصل قرائت کردند . ۲۹

۲ . موارد مورد اتفاق

همه قرآء متفق اند آنچه از «الف» و «واو» و «یاء» به خاطر التقای ساکنین در لفظ ، هنگام وصل حذف می گردد ، در رسم ثابت می باشند :

الف : قال الحمد لله ، استبقا الباب ، وادخل النار ، و أنا الله

واو : يمحوا لله ما يشاء ، قالوا الآن ، أن تضلوا السبيل ، فاستبقوا الخيرات ، إذ تسوروا المحراب ، جابوا الصخر ، ملاقوا الله ، صالوا الجحيم ، صالوا النار ...

یاء : يوتى الحكمة ، يأتي الله بقوم ، أوفى الكيل ، بهادى العمى ، حاضرى المسجد الحرام ، أتى الرحمن ، أولى الايدي ، يا أولى الألباب ، يا أولى الابصار ، محل الصيد ، مهلكى القرى .

وقف در تمامی موارد فوق و کلمات مشابه آن به ثبوت «الف» و «واو» و «یاء» به خاطر ثبوت آن در رسم می باشد .

حذف

با بررسی کتب قراءات و با توجه به ثبوت حرفی در یک کلمه ، که هنگام وقف از جانب برخی از قرآء حذف شده و نیز با توجه به محذوف بودن حرفی در یک کلمه ، که از جانب عدّه ای از قرآء در وقف ثابت شده است ، می توان گفت حذف بر دو گونه است :

۱ . حذف آنچه که در رسم ثابت است . ۲ . حذف آنچه که از جهت لفظ ثابت است .

۱ . حذف آنچه که در رسم ثابت است

واژه کائین در هفت موضع در سوره های آل عمران ، یوسف ، حج (در دو موضع) ، عنكبوت ، قتال و طلاق آمده است . از بین قرآء فقط ابن کثیر به صورت «کائن» همزه بین



الف و نون (بر وزن کاعِن) قرائت کرده است ولی دیگران «کأی» همزه بین کاف و یاء و حرف یاء نیز به صورت مشدّد قرائت نموده اند . (بروزن کعی)
هیچ اختلافی در بین قراء در هنگام وقف و وصل به ثبوت نون نیست ، به خاطر ثبوت آن در رسم الخط .

۲ . حذف آنچه که در لفظ ثابت است

همه علما بر این اصل متفق اند که «هاء» کنایه - هاء ضمیری که بر مفرد مذکر غایب دلالت دارد - در آخر کلمات می آید و به رسم فعل و حرف متصل می گردد ، این «هاء» اگر بین دو متحرک واقع شود ، اگر حرکت ماقبل آن فتحه یا ضمه باشد ، نزد همه قراء به صله واوی قرائت می شود ، مانند : «إنّه» و چنان چه حرکت ماقبل آن کسره باشد ، مکسور و با صله یایی اداء می گردد . سَمِعَهُ ، بِهِ . همان طور که ملاحظه می شود ، واو و یاء در «هاء» ضمیر ، لفظاً ثابت است ، ولی در رسم محذوف می باشد .

موصول

بعضی واژه ها در رسم الخط عثمانی به صورت وصل آمده و تمامی مصاحف به کتابت آن ها به صورت موصول اجماع دارند . اما در قرائت و وقف ، از بعضی از قراء به طور مختلف روایت شده است .

آیاتی نظیر : **ویکان الله و ویکانه** (قصص، ۸۲/۲۸)

جماعتی از کسائی نقل کرده اند که او بر یاء «وی» وقف می نمود و با کاف ابتدا می کرد (کانّ) ، (کانه) . ۳۰

از ابوعمرو روایت شده که او بر کاف وقف می کرد (ویک) و با (آن) ، (آنه) شروع می کرد ۳۱ .

با ملاحظه بخش مقطوعات و موصولات ، این مطلب که قرآن نگارش یافته «مصحف عثمانی» ، وجود کتبی و لفظی آن مکمل هم دیگرند ، مورد شک و تردید قرار می گیرد . زیرا در هنگام وقف بر کلمات مقطوع نظیر آیه فَمَالِ هَذَا الْكِتَابِ غَالِبِ قِرَاءِ بِرُوی کلمه «ل» وقف نموده اند ولی بعضی از قراء بر روی کلمه «ما» وقف کرده اند ، در چنین صورتی باید کلمه «ل» با کلمه بعد خود «هذا» متصل گردد ، در حالی که در رسم الخط چنین نمی باشد . گرچه نقل هایی که از افراد شده ، گاهی ضد و نقیض می باشد . مثلاً آنچه از کسائی روایت شده ، از یک طرف گفته شده که او بر «ما» و از طرف دیگر بر «لام» وقف



کرده است ، اما با این حال با توجه به روایت های موجود از بعضی قراء وجود لفظی آن با وجود کتبی مغایر است .

در باب موصولات نیز درباره واژه «ویکان» به طور مختلف نقل شده است . صاحب «التیسر» فقط از ابو عمرو یاد می کند که قائل است وقف بر «ویک» صحیح می باشد . ولی صاحب «التذکرة» ، فقط از کسائی نام می برد که بر روی کلمه «وی» وقف نموده است . و از ابو عمرو نامی نمی برد . ۳۲

مقطوع

در رسم المصحف ، بعضی از کلمات به گونه مجزا و جدا مکتوب شده است . از جمله حروفی که در رسم الخط جدا آمده ، حرف «لام» می باشد . که بعد از «ما» در چهار جا از قرآن کریم با اسم مجرور بعد از خود ، جدا نوشته شده است که عبارتند از :

فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ . (نساء ، ۷۸/۴)

مَالِ هَذَا الْكِتَابِ . (کهف ، ۴۹/۱۸)

مَالِ هَذَا الرَّسُولِ . (فرقان ، ۷/۲۵)

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا . (معاوج ، ۳۶/۷۰)

قراء در وقف بر روی این کلمات اختلاف دارند .

ابو عمرو در این آیات چهار گانه ، بر «ما» وقف نموده و «لام» را به کلمه بعدی متصل کرده است . اما کسائی به یک وجه بر کلمه «ما» و بر یک وجه بر «لام» وقف نموده است . از خلف و نصیر هم روایت شده است که کسائی مطابق با رسم الخط بر لام وقف نموده است . ۳۳

آیه اَيُّهَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (اسراء ، ۱۱۰/۱۶) مصاحف در قطع کلمه «ایها» با یکدیگر متفق می باشند . حمزه و کسائی در این مورد بر کلمه «أی» وقف نموده اند .

ابن سعدان روایت کرده است ، که حمزه و سلیمان بر «ایها» وقف کرده اند . و از یعقوب هم نقل شده است که بر «ایها» وقف کرده و بر «ما تَدْعُوا» ابتدا نموده است . ۳۴



۱ . محمد هادی معرفت ، التمهید فی علوم القرآن ، ۱۰/۲ ، مؤسسة النشر الاسلامی .

۲ . خود می گوید : «أنا اذکر ذلك علی السبیل الایجاز» ، الامام ابی عمرو عثمان بن سعید الدانی ، التیسیر فی القراءات السبع / ۵۴ ، بیروت : دارالکتب العلمیه .

۳. ابی بکر محمد بن القاسم بن بشار الانباری النحوی، ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب اللہ عز وجل / ۲۸۲ .
 ۴. همان / ۲۸۷ .
۵. التیسیر فی القراءات السبع / ۵۴ ؛ ابو جعفر علی بن احمد بن خلف الانصاری ؛ الاقتاع فی القراءات السبع / ۳۲۲ ، بیروت : دارالکتب العلمیه .
۶. همان دو منبع .
۷. ابن جرزی ، النشر فی القراءات العشر ، ۲ / ۳۰ ، انتشارات دارالفکر .
۸. همان .
۹. التیسیر / ۵۴ .
۱۰. ابن مجاهد ، کتاب السبعة فی القراءات / ۶۶۶ ، مصر : دارالمعارف ؛ امام ابی الحسن طاهر بن عبدالمنعم بن غلبون المقرئ الحلبي ، التذکره فی القراءات الثمان ، ۲ / ۶۱۱ ، الجماعة الخيرية لتحفیظ القرآن الکریم .
۱۱. همان / ۵۳ ؛ همان ، ۲ / ۵۰۶ .
۱۲. السبعة / ۵۳۵ و التذکره ، ۲ / ۵۰۹ .
۱۳. التذکره ، ۲ / ۵۳۶ .
۱۴. همان / ۳۴۴ .
۱۵. السبعة / ۵۶۷ .
۱۶. النشر ، ۲ / ۴۱ .
۱۷. هاء سکت عبارت است از هاء ساکنی که در آخر کلمه هنگام وقف برای بیان حرکت ملحق می شود .
۱۸. الاقتاع / ۳۰۷ .
۱۹. همان و النشر / ۱۳۴ و التیسیر / ۵۵ .
۲۰. التیسیر / ۶۰ ؛ الاقتاع / ۳۲۶ .
۲۱. همان .
۲۲. همان / ۶۱ .
۲۳. الاقتاع / ۳۲۶ .
۲۴. النشر ، ۲ / ۱۳۷ .
۲۵. ایضاح / ۲۷۹ ؛ التذکره ، ۲ / ۲۷۳ .
۲۶. ایضاح / ۳۰۳ ؛ ابی علی الحسن بن عبدالغفار الفارسی ، الحجة للقراء السبعة ، ۳ / ۳۵۱ ، بیروت : دارالمأمون للتراث .
۲۷. کتاب السبعة / ۳۹۱ ؛ التذکره ، ۲ / ۴۱۴ .
۲۸. همان / ۵۱۹ ، همان ، ۲ / ۵۰۱ .
۲۹. از ابو عمرو به طور مختلف نقل شده است ر . ک : همان / ۶۶۴ و همان / ۶۰۷ .
۳۰. التذکره ، ۲ / ۴۵۸ ؛ النشر ، ۲ / ۱۵۱ .
۳۱. التیسیر / ۵۵ .
۳۲. النشر ، ۲ / ۱۵۲ .
۳۳. التیسیر / ۵۵ ؛ التذکره / ۳۱۲ ؛ الاقتاع / ۳۲۸ .
۳۴. التذکره ، ۲ / ۴۱۰ ؛ الاقتاع / ۳۲۶ ؛ التیسیر / ۵۵ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پایان‌نامه علوم انسانی

